

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۸ می ۲۰۲۲

فلم تکاندنده «عنکبوت مقدس» درباره قتل‌های زنجیره‌ای زنان در مشهد!

لابد خیلی از شما خوانندگان محترم می‌دانید هنگامی که اسم حکومت اسلامی ایران را می‌شنویم بلافاصله سانسور و سرکوب، شکنجه و اعدام، شلاق و دست بردن و مهم‌تر از همه سرکوب سیستماتیک زنان در ذهن‌مان تداعی می‌شود. زنانی که نصف جمعیت ۸۴ میلیونی ایران را تشکیل می‌دهند اما سهم آن‌ها از بازار کار فقط ۱۲ تا ۱۳ درصد است عمق و طول و عرض فاجعه را به ما نشان می‌دهد. برای این که این فاصله از بین برود نیازمند مبارزه مشترک آگاهانه و داوطلبانه زنان و مردان بدون توجه به ملیت و جنسیت در بازار کار است.

با این حال، دهه‌هاست که زنان ایران، بیش از ۶۵ درصد کرسی‌های دانشگاهی را به خود اختصاص داده‌اند و کم نیستند زندانی که در مبارزات خیابانی و اعتصاب و اعتراض در صف مقدم قرار دارند و با شهامت و جسارت فوق‌العاده‌ای برای تحقق آرزوها و آرمان‌هایشان و حقوق‌شان می‌جنگند. آن‌هم در یک جنگ نابرابر و تحمیلی. همچنین امروز ما هزاران زن نویسنده و هنرمند و کارگردان و غیره داریم. به عبارت دیگر، اگر حکومت اسلامی در این ۴۴ سال حاکمیت ارتجاعی خود توانسته حقوق زنان را به‌طور سیستماتیک نقض و سرکوب کند اما واقعیت آن است که بسیاری از زنان آگاه و تحت ستم هرگز مرعوب این فضای رعب و وحشت زن‌ستیزی و آزادی‌ستیزی مردسالاری حکومت نشده‌اند. (در آخر همین مطلب به چند مورد از جنایت‌هایی که در سال‌های اخیر علیه زنان در ایران روی داده، اشاره شده است.)



نمایی از فلم «عنکبوت مقدس»

مطلبی که در پیش روی خود دارید به معرفی و بررسی فلم «عنکبوت مقدس» و قتل‌های زنجیره‌ای زنان در مشهد می‌پردازد. این فلم اخیراً در جشنواره کن هم به نمایش درآمده است.

سعید حنایی در فاصله مردادماه سال ۱۳۷۹ تا ۱۵ فروردین‌ماه سال ۸۰ در مشهد ۱۶ زن کارگر جنسی را به قتل رساند تا این که در فروردین‌ماه سال ۱۳۸۱ اعدام شد. او سابقه بسیجی داشت اما در اخبار و گزارشات رسانه‌ها و حتی در محاکمه او، این موضوع نادیده گرفته شده و یا عمداً حذف شده است.

فلم «عنکبوت مقدس» ساخته علی عباسی، روز یکشنبه یکم خرداد ۱۴۰۱، برای نخستین بار در دنیا در ششمین روز از هفتاد و پنجمین دوره جشنواره فلم کن به نمایش درآمد؛ فلمی بسیار جسورانه با پرداختی بی‌پروا و صریح که تصویری کاملاً متفاوت از لایه‌های پنهان جامعه و حکومت اسلامی ایران در مقایسه با آثار معمول از سینمای ایران ارائه می‌دهد.

هفتادوپنجمین جشنواره فلم کن از ۱۷ تا ۲۸ مه ۲۰۲۲ - ۲۷ اردیبهشت تا هفت خردادماه ۱۴۰۱ در جریان است. داستان و روایت فلم «عنکبوت مقدس» بسیار دردناک و شوک‌آور است اما در عین حال مهیج و جذاب هم است چرا که در طول شصت دقیقه به مخاطب هیچ زمانی نمی‌دهد که لحظه‌ای، از آن چشم بردارد. سعید که از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار در جریان روند قتل‌هایش و پیگیری پلیس قرار گرفته است، کمی محتاط‌تر شده و در یکی از صحنه‌های جنایت ضعف نشان می‌دهد، به گونه‌ای که پل یکی از طعمه‌هایش در هنگام خفه شدن از خود دفاع می‌کند و برای زنده ماندن سماجت به خرج می‌دهد و نهایتاً از خانه مرگ می‌گریزد، تا این‌که سعید پس از شانزده فقره قتل بازداشت می‌شود.

«عنکبوت مقدس» روایتی از قتل‌های زنجیره‌ای سعید حنایی است که اواخر دهه ۷۰ به‌قصد آن‌چه پاک‌سازی جامعه می‌نامید، ۱۶ زن کارگر جنسی را در شهر مشهد به قتل رساند. البته نام خانوادگی شخصیتی که در فلم دیده می‌شود تغییر کرده است.

یکی از بخش‌های فلم گفت‌وگوی این شخصیت با زن سعید حنایی است که تبدیل به نوعی تقابل دیدگاه نمادین زنان در جامعه ایران؛ زن مدرن مساوات‌طلب و کنشگر در برابر زن سنتی مذهبی درگیر آموزه‌های اخلاق‌گرای ظاهری جامعه می‌شود. این فصل تکان‌دهنده و درگیرکننده دیگری است که در آن سعید حنایی لحظاتی پس از قتل یکی از زنان کارگر جنسی، در حالی که از انجام آمیزش جنسی با او خودداری کرده، با همسر خودش به فاصله کوتاهی از جسد زن کشته‌شده هم‌وابگی می‌کند.

در واقع کارگردان این فلم، علی عباسی، در روایت داستان هرگونه پرده‌پوشی معمول را کنار می‌گذارد و با جسارت کم‌سابقه‌ای عمق فساد اخلاقی و افت انسانیت در جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را به نمایش عموم می‌گذارد.

عباسی و همکارانش با درایت و دقتی موشکافانه تلاش کرده‌اند با تصویر کردن باورپذیر فضا و ارتباطات مشهد، سفری دلهره‌آور به درون شهری ترسناک داشته باشند که در ظاهر ناشی از وجوه مذهبی آن به‌عنوان شهری مقدس در ایران است اما فقر و فلاکت در این شهر غوغا می‌کند و امام جمعه آن علم‌الهدی که دامادش نیز رییس جمهوری است بر این شهر حکمرانی مطلق و بدون چون و چرا دارد.

شخصیت قاضی منصوری که محاکمه سعید حنایی را در آن سال‌ها انجام داد، در فلم «عنکبوت مقدس» نماینده تمام‌قدی از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است که تلاش می‌کند در جریان دادگاه فاصله‌ای میان اعتقادات مذهبی حنایی و قوانین حاکم نشان دهد؛ هرچند در زمان‌های بحرانی و پرچالش رفتاری دوگانه دارد.

آن‌طور که خودشان در مصاحبه‌هایشان گفته‌اند، برای ارائه تصویری واقعی از ایران بوده است؛ تصویری که به‌گفته یکی از تهیه‌کنندگان فلم مانند آثاری دیگر بیش‌تر «دیپلماتیک» نیست و بر همین اساس می‌توان پیش‌بینی کرد با واکنش‌های مختلفی در داخل و خارج ایران مواجه شود؛ به‌ویژه آن‌که مخاطبان خارجی در نتیجه سانسور شدید حکومتی که بر فلم‌های داخل ایران اعمال می‌شود، عادت زیادی به تماشای تصویری کاملاً متفاوت از ایران ندارند. ضمن آن‌که مخاطب ایرانی هم، ناشی از همین سانسور، بخش زیادی از زندگی و رفتار و اعمالش را به شکل صریحی در آثار نمایشی ندیده است.

نشست خبری فلم «عنکبوت مقدس»، ساخته علی عباسی، روز دوشنبه در هفتمین روز جشنواره کن و پس از نمایش این فلم در شب قبل از آن، برگزار شد. علاوه بر کارگردان فلم و دو نفر از تهیه‌کنندگان (که اروپایی و غیرایرانی‌اند)، زر امیرابراهیمی و مهدی بجستانی، دو بازیگر اصلی فلم، نیز در این نشست خبری شرکت کردند و به سؤالات حضار پاسخ دادند.

واکنش‌های اولیه به «عنکبوت مقدس» در بین منتقدان بسیار متنوع بود.



در نشست خبری فلم، عباسی در جواب سؤال مدیر جلسه: «در ایران ما خیلی بداقبالیم؛ چون اگر قاتل زنجیره‌ای بالای پنج یا هفت قتل نداشته باشد، اقدامش اصلاً خبری نمی‌شود. در حالی که اگر در بریتانیا، اسپانیا یا ژاپن بود، تیتز می‌شد. حنایی وقتی ۱۰ نفر به بالا را کشت، به تیتز روزنامه‌ها تبدیل شد؛ اول در مشهد و بعد در سطح کشور.»

کارگردان فلم چنان که پیش از این هم در مصاحبه‌ها به درستی تأکید کرده بود که فلمش نه راجع به قاتل زنجیره‌ای که درباره «جامعه قاتل زنجیره‌ای پرور» است؛ یعنی می‌خواهد به کل فضای اجتماعی که در آن به وجود آمدن سعید حنایی ممکن می‌شود، بپردازد. وی می‌گوید که وقتی دید برخی در ایران از حنایی به‌عنوان قهرمان نام می‌برند، به این نتیجه رسید که مشکل فقط حنایی نیست بلکه کل جامعه است. عباسی در ضمن یادآوری کرد که فلمش با الهام از ماجرای حنایی بوده اما بخش‌های بسیاری از ماجرا در فلم عوض شده است.

عباسی در ادامه از این گفت که در ابتدا قصد داشته است فلمش را در ایران بسازد. وی در مصاحبه‌های دیگر هم گفته بود که در پی موفقیت گسترده فلم «مرز» که در سال ۲۰۱۸ جایزه بخش «نوعی نگاه» کن را برنده شد، در نظر داشته است که کاری غیرمنتظره انجام دهد و در ایران یک فلم بسازد. او ماجرا را بار دیگر در این نشست خبری شرح داد و گفت: «رفتیم به وزارتخانه ارشاد در ایران و یک فنجان چای به من دادند... حاضر بودم سازش کنم و درون چارچوب قانونی کار کنم؛ گرچه به آن‌ها گفتم که موافق سانسور نیستم اما حاضر بودم برای به دست آوردن حس مشهد سازش کنم. به من گفتند که بعد از موفقیت فلم «مرز»، این افتخار بزرگی است و جوابم را می‌دهند. یک سال بعد که پرسیدم، دوباره یک فنجان چای نوشیدیم و هیچ و این‌جا است که آدم می‌داند پاسخ نه است.»

تهیه‌کنندگان فلم نیز از سفر به ایران برای بررسی شرایط احتمالی ساخت فلم در این کشور سخن گفتند. بعد از معلوم شدن «نه» مقام‌های حکومت اسلامی ایران، آن‌ها یک سال هم تلاش کردند رضایت ترکیه را جلب کنند اما موفق نشدند. عباسی در گفت‌وگوهای پیشین گفته بود که فشار حکومت اسلامی ایران باعث شد ترکیه به فلم جواز ساخت ندهد و همین شد که از اردن سر درآوردند و فلم را آنجا ساختند.

این کارگردان گفت که بیش‌تر از کارگردان‌هایی همچون دیوید لینچ، لویی بونوئل یا چهره‌های سینمای ایتالیا تأثیر می‌گیرد تا سینمای ایران؛ اما افزود که زندگی در ایران و «شناختن واقعیت ایران» و تجربه فرهنگ ایرانی بیش‌تر از دیدن فلم‌های ایرانی بر او تأثیر گذاشته است. او در انتقاد از وضع سینمای ایران گفت: «۵۰ سال است که واقعیتی موازی در فلم‌های ایران وجود دارد. در این دنیای مجازی، زنان همیشه با لباس می‌خوابند، پنج متر پارچه دور سرشان است، بدن ندارند، هرگز به کسی دست نمی‌زنند، باد معده ول نمی‌کنند، به دست‌شویی نمی‌روند. چنین چیزی الهام‌بخش نیست و نباید باشد.»

پس از نمایش این فلم در جشنواره کن، فروش «عنکبوت مقدس» به بازارهای مختلف همچنان ادامه دارد اما یکی از مهم‌ترین خبرهای این فلم مربوط به زر امیرابراهیمی بود که برای بازی در فلم «شیدا»، اولین ساخته نورا نیاسری، کارگردان ایرانی-استرالیایی، توافقی امضا کرده است. امیرابراهیمی در این فلم نقش یک مادر ایرانی جوان را بازی می‌کند که به‌همراه دختر شش ساله‌اش هنگام تعطیلات نوروز در یک خانه امن زنان در استرالیا حضور دارند. قرار است شروین اکبرزاده، یکی از نزدیک‌ترین چهره‌ها به نیاسری، مدیر فلم‌برداری باشد.

علی عباسی کارگردان ۴۱ ساله ایرانی تبار ساکن دانمارک، است که نخستین فلم بلند خود را به نام «شلی» در سال ۲۰۱۶ ساخته است و پیش از این در سال ۲۰۱۸ برنده جایزه بخش «نوعی نگاه» جشنواره کن برای فلم «مرز» شده بود، امسال با فلم «عنکبوت مقدس» (شب‌های مشهد)، در بخش رقابت اصلی هفتاد و پنجمین دوره این رویداد بین‌المللی حضور یافته است.

«عنکبوت مقدس»، کنایه‌ای آشکار به قاتل معروف به عنکبوتی که زنان کارگر جنسی را در مشهد زیر سایه ایمان و اعتقادش به قتل رسانده است.

فلم که در خارج از ایران و در اردن فلم‌برداری شده، محدودیت‌های سانسور در سینمای ایران را کنار گذاشته و آشکارا به سه مضمون ممنوع در سینمای ایران می‌پردازد: سکس و نقد ایدئولوژی مذهب حاکمیت و مردسالاری.

از جنبه سکس، فلم‌ساز ابایی ندارد که چند صحنه عریان جنسی را به تصویر بکشد و در مورد مذهب، عباسی آشکارا فلمش را از ابتدا حول و حوش این مضمون بنا می‌کند و در واقع خواسته یا ناخواسته فلم به نقبی آشکار به دل‌باورهای کورکورانه مذهبی در یکی از سنتی‌ترین شهرهای ایران بدل می‌شود.

بخشی از فلم در برابر دادگاه به حمایت از قاتل برخاسته‌اند و در جایی که بقال محل در برخورد با پسر قاتل، او را یک قهرمان می‌خواند. از این‌رو فلم مملو از صحنه‌های تکان‌دهنده است.

بازسازی مشهد بسیار حساب شده و حرفه‌ای است که تا حدودی در همه صحنه‌ها تماشاگر را در فضایی که خلق کرده شریک می‌کند.

فلم‌نامه «عنکبوت مقدس» را علی عباسی با همکاری افشین کامران بهرام نوشته است که در آن بازیگرانی چون زهرا امیرابراهیمی، آرش آشتیانی، مهدی بجستانی، سینا پروانه، فروزان جمشیدنژاد، سارا فضیلت و نیما اکبرپور، ایفای نقش کرده‌اند.

فلم سینمایی «عنکبوت مقدس» با الهام از ماجرای سعید حنایی قاتل زنجیره‌ای زنان خیابانی در مشهد، معروف به «قاتل عنکبوتی» ساخته شده است که در فاصله مرداد ۱۳۷۹ تا مرداد ۱۳۸۰ مرتکب ۱۵ فقره قتل شد و در فروردین سال ۱۳۸۱ اعدام شد. او خود را شخصی مذهبی معرفی کرده و انگیزه خود از ارتکاب به این قتل‌ها را پاک‌سازی جامعه از فساد و فحشا اعلام کرده بود.

این فلم برای رهایی از سانسور موجود در ایران و خلق صحنه‌هایی بی‌پروا، در اردن فلمبرداری شده و محصول مشترک فرانسه، آلمان، سوئد و دانمارک است. همچنین فروش جهانی فلم به عهده کمپانی «وایلد بانچ» است که از موفق‌ترین‌ها در این زمینه به شمار می‌رود.

در مراسم فرش قرمز و نیز فوتوکال فلم «عنکبوت مقدس» که یکی از مدعیان نخل طلای فستیوال کن ۲۰۲۲ است، زهرا امیرابراهیمی و سایر عوامل این فلم، علی عباسی را همراهی کردند.

بنا به نوشته نشریه فرانسوی لوموند، این فلم به طرح پرسش‌هایی سیاسی و مذهبی در دین اسلام می‌پردازد و روایت‌گر داستان واقعی قتل‌های زنجیره‌ای زنان خیابانی در شهر مشهد است که در ایران شهری مقدس و مذهبی محسوب می‌شود.

زهرا امیرابراهیمی بازیگر ۴۱ ساله ایرانی که در سال ۲۰۰۸ بنا به اجبار این کشور را ترک کرده و در فرانسه اقامت گزیده است، پیش از نمایش فلم «عنکبوت مقدس» به خبرنگاران گفت: «برای من این فقط یک فلم نیست و چیزی بیش از یک فلم ساده است، من در چهار سال گذشته به شدت درگیر این فلم بودم و زندگی‌ام را در این فلم نهادم.» وی افزود: «عنکبوت مقدس» فلمی درباره زنان و زن‌ستیزی است.

زهرا امیرابراهیمی که در سال ۱۳۸۵ به‌خاطر نقش آفرینی در سریال «نرگس» در ایران به شهرت رسیده بود، پس از انتشار گسترده فلمی از روابط خصوصی‌اش بر روی اینترنت و سیدی‌های خانگی، به فرانسه مهاجرت کرد. سعید حنایی که بود؟ چرا تصمیم گرفت به‌طور سریالی زنان را به قتل برساند؟ او چگونه دستگیر شد و چه سرنوشتی پیدا کرد؟

سعید حنایی ملقب به «قاتل عنکبوتی» قبل از اعدام گفته بود: «از عمل خود به هیچ‌وجه پشیمان نیستم و اگر دستگیر نمی‌شدم قصد داشتم تعداد قتل‌ها را به عدد ۱۵۰ برسانم.» در آن زمان مقامات سیاسی و قضایی و نظامی سر و کله می‌شکستند و انگار با همدیگر مسابقه گذاشته بودند تا با سعید حنایی عکس بگیرند.



فلم عنکبوت به کارگردانی ابراهیم ایرج‌زاد، روایتی از یکی از مخوف‌ترین قاتلان سریالی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، سعید حنایی، ملقب به قاتل عنکبوتی است.

سعید حنایی کارگری ساده بود که همراه همسر و دو پسرش در خانه‌ای در منطقه فقیرنشین مشهد زندگی می‌کرد. او گفته بود: «تا قبل از ازدواج با هیچ زنی صحبت نکردم با این‌که مادرم خیاط بود و شاگردهای زیادی داشت و ۱۵ دختر به خانه ما رفت‌وآمد می‌کردند، اما من با هیچ‌کدام صحبت نکردم. بچه‌های محل سرب‌سرم می‌گذاشتند و می‌گفتند این همه دختر در خانه شماسست و خوش می‌گذرد اما ما ۶ برادر بودیم و می‌گفتم که این‌ها امانت هستند و نباید نگاه بد به آن‌ها شود. از خدا می‌خواستم که دختری پاک نصیبم شود. یک روز وقتی برادر بزرگم در خانه فردی بنایی می‌کرد با برادرم کاری داشتم، وقتی به خانه آن مرد رفتم دختری آمد و چای آورد و من دیدم همان دختری است که می‌خواهم. بعد با هم ازدواج کردیم. از زمانی که تصمیم قطعی گرفتم تا زمانی که ازدواج کردم یک هفته طول کشید.

یک روز وقتی همسر سعید به مدرسه پسرش رفته بود تا درباره اوضاع تحصیلی او پرس‌وجو کند، واقعه‌ای رخ داد که شوهرش را به جنایتکاری مخوف تبدیل کرد. آن شب وقتی سعید از محل کارش که کارگاهی ساختمانی بود به منزل بازگشت متوجه خراشی روی صورت همسرش شد.»

زن ماجرا را این‌طور تعریف کرد: «موقع بازگشت به خانه سوار خودرویی شخصی شده بود و راننده با این تصور که مسافرش زنی خیابانی است پیشنهادی غیراخلاقی داده بود. زن برآشفته شده و در درگیری با راننده صورتش زخم برداشته بود.»

گفته شده است که سعید بعد از ساعت‌ها شنیدن این واقعه که برای همسرش رخ داده بود به این نتیجه رسید که دلیل اصلی، فساد در جامعه است و این زنان خیابانی هستند که فساد را رواج می‌دهند. بنابراین سعید حنایی با طرح و نقشه و فکر قبلی زنان قربانی را شکار می‌کرد و به قتل‌گاه می‌برد. آن‌قدر هم حرفه‌ای بود که پس از هر قتل هیچ رد پایی از خودش باقی نگذاشت. بنابراین در رسانه‌ها و به نقل از خانواده او آمده است که او آدم عصبی بود و ناراحتی روانی داشت و انگیزه‌اش پیشنهاد یک درخواست غیراخلاقی به زنش بود و چندان با عمل او خوانایی ندارد. چرا که اگر او از درخواست مردی راننده‌ای از زنش عصبانی شده بود قاعدتا باید دنبال آن مرد و مردان مشابه آن می‌رفت؟ در حالی که سراغ زنان بی‌گناه و درمانده و عاجز رفت که از نظر ایدئولوژی و قوانین و سیاست‌های حکومت نیز «مجرم» محسوب می‌شوند. به همین دلیل کشتند آن‌ها خدمت بزرگی به حاکمیت و ایدئولوژی آن است.

آن زمان بسیاری از زنان خیابانی که از طبقه محروم جامعه بودند در جاده «خین عرب» در مسیر رانندگان کامیون می‌ایستادند. سعید این محل را به خوبی می‌شناخت. او روز هفتم مرداد سال ۱۳۷۹ هنگامی که همسر و فرزندانش خانه نبودند سوار بر موتور به «خین عرب» رفت، زنی ۳۰ ساله به نام «افسانه» را با خود به خانه برد، هنگام برقراری رابطه با روسری خفه و سپس جسدش را در جاده رها کرد.

او سه روز بعد دومین زن را به همین شیوه به قتل رساند. مقتول «لیلا» نام داشت و جنازه او در بوتمه‌زارهای گوجه‌فرنگی در حوالی جاده خین عرب مشهد پیدا شد. یک روز بعد سومین زن به نام «فریبا» در تارهای قاتل عنکبوتی گرفتار و جنازه او در حالی که در گونی زردرنگ گذاشته شده بود در محله سجادشهر مشهد کشف شد.

بر اساس مستندات منتشر شده، سعید حنایی در فاصله مرداد سال ۱۳۷۹ تا ۱۵ فروردین سال ۱۳۸۰ در مشهد ۱۶ زن را سوار موتور یا ماشین خود کرده و به قتل رسانده بود، البته پلیس تا زمان دستگیری متهم از ۱۱ قتل مطلع شده بود و قاتل سریالی ماجرای پنج قتل دیگر را خودش برای کارآگاهان تعریف کرد. سعید حنایی نه تنها خودش از قتل‌هایی که مرتکب شده بود پشیمان نشد بلکه به شدت تحت حمایت عده‌ای از اطرافیانش نیز قرار گرفت. او در نهایت ۲۸ فروردین سال ۱۳۸۱ در محوطه زندان مشهد به دار آویخته شد. او وصیت کرده بود اعضای بدنش به نیازمندان بخشیده شود البته اجرای چنین وصیتی ممکن نبود.

کارآگاهان بعد از قتل سوم خطر حضور قاتلی سریالی را احساس کردند اما بعد از کشف جنازه فریبا قتل‌ها متوقف شد و این پرونده نیز مسکوت ماند تا اینکه ساعت ۹ صبح جمعه دوم دی سال ۱۳۷۹ جسد یک زن خیابانی دیگر در بزرگراه صدمتری روبه‌روی میدان پارسپاد در حوالی جاده خین عرب کشف شد.

این جسد که به پزشکی قانونی انتقال یافته بود، تحت کالبد شکافی قرار گرفت و مشخص شد جسد متعلق به زن ۳۰ ساله‌ای است که او نیز با انسداد مجرای تنفس با فشار روسری دور گردن و گلو از پای درآمده است. این زن نیز مانند مقتولان مردادماه زنی خیابانی بود که دو فقره سابقه حمل مواد مخدر و یک فقره اعتیاد در پرونده‌اش وجود داشت.

آیا قتل این زن که معصومه نام داشت با کشته شدن سه زن دیگر در ارتباط بود؟ پلیس قبل از آن‌که بتواند جواب قاطعی برای این سؤال پیدا کند خود را در برابر پیکر بی‌جان زنی دیگر دید. ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه روز دوشنبه ۱۷ بهمن سال ۱۳۷۹ در بزرگراه صدمتری روبه‌روی میدان پارسپاد جسد دیگری کشف شد که بعد از تحقیقات پزشکی و پلیسی مشخص شد قربانی ۲۷ ساله «سارا» نام دارد که سه سابقه منکراتی، مواد مخدر، قاچاق و اعتیاد در پرونده کیفری‌اش است و او نیز بدون هرگونه آزار جنسی به علت انسداد مجرای تنفس از ناحیه گلو و گردن با روسری به قتل رسیده است.

این اقدام نشان می‌دهد که او چه‌قدر به باورهای مذهبی خود پایبند بود. حالا دیگر شکی باقی نمانده بود که آدم‌کش می‌تواند یکی از اعضای بسیج و سپاه و یا عناصر حکومتی باشد که این‌چنین بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای می‌کوشد تا بر تعداد قربانیان خود بیفزاید. قربانی بعدی زنی ۴۵ ساله به‌نام «اعظم» بود که جسدش ساعت هشت صبح یکشنبه ۲۳ بهمن سال ۱۳۷۹ در منطقه مسکونی بلوار مجد واقع در مرکز شهر کشف شد.

پس از آن تعداد قربانیان مرتب افزایش پیدا می‌کرد تا این‌که بالاخره در ساعت ۲۳ و ۵۰ دقیقه ۱۵ فروردین سال ۱۳۸۰ جسد یک زن خیابانی دیگر به‌نام «طوبی» کشف شد.

این قربانی ۳۵ ساله نیز دارای یک فقره سابقه فروش مواد مخدر بود که با انسداد مجاری تنفسی در ناحیه گلو با فشار روسری با روش مشابهی به قتل رسیده بود.

طوبی آخرین مقتول این پرونده بود و سعید حنایی بعد از آن دستگیر شد.

حیرت‌آور آن است که پرونده قتل ۱۱ زن شبیه هم بود و به همین دلیل یافتن قاتل برای کارآگاهان پلیس جنایی و سایر نهادهای امنیتی چندان دشوار نبود. یعنی نحوه مرگ آن‌ها، سرگذشت‌شان، سوابق کیفری‌شان و ادله دیگر نشان می‌داد تمام قتل‌ها به دست یک نفر انجام شده است.

ظاهراً سعید حنایی یک شهروند معمولی بود و تا قبل از این‌که به اتهام قتل ۱۶ زن بازداشت شود، هیچ جرمی مرتکب نشده بود و اتفاقاً فعالیت‌های اجتماعی زیادی داشت. همسایه‌های سعید حنایی به مأموران گفته بودند او فرد بسیار آرامی بود؛ فردی که اعتقادات شدید مذهبی دارد و موجه بود.

همچنین در مرداد سال ۱۳۸۰ و زمانی که سعید حنایی دستگیر شده بود، همسر او در گفت‌وگویی با روزنامه ایران گفته بود که «سعید از ابتدای زندگی، به جامعه بدبین بود، غیرتی خشک نبود، می‌گفت به هر جا می‌روی، برو، اما جایی باشد که به صاحبش اطمینان داشته باشی.»

همسر سعید حنایی در آن گفت‌وگو با اشاره به تأکیدات مذهبی سعید حنایی گفته بود که «علاقه زیادی به حفظ حجاب داشت، مثلاً اگر مقداری چادر از صورتم کنار می‌رفت، می‌گفت روبگیر، نماز خوان و روزه گیر هم بود.»

در آن گفت‌وگو همسر این قاتل زنجیره‌ای در پرسش به پاسخی درباره «تغییر رفتار سعید حنایی بعد از پر سروصدا شدن ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای زنان خیابانی در مشهد» گفته بود: «من چندین بار به سعید گفتم خیلی دوست دارم قاتل زنان خیابانی را بعد از دستگیری ببینم.

او می‌گفت بعضی‌ها گفته‌اند آهن فروش‌های صدمتری (محل‌های در مشهد) و جعبه فروش‌ها دست به این قتل‌ها می‌زنند و بعضی‌ها هم گفتند کار گروه انصار است.» به گفته همسر سعید حنایی او همواره از زبان مردم این قتل‌ها را مفید می‌دانسته است.

حیرت‌آور آن است که در این میان پلیس داستانی را سرو همبندی کرد به این شکل که به گفته پلیس حکومت اسلامی، فردی با ماموران تماس گرفت و گفت قتل‌ها کار اوست. این مرد خودش را «صیاد سیم‌رغ» معرفی کرد. او بازداشت شد اما باز هم به گفته پلیس و یا مسئولین این پرونده، وقتی تحت بازجویی قرار گرفت معلوم شد صرفاً برای رسیدن به شهرت چنین ادعایی را مطرح کرده و چیزی از قتل‌ها نمی‌داند. به این ترتیب راز پرونده همچنان ناگشوده باقی ماند تا این‌که قاتل سریالی به جنایت خود ادامه دهد، اما این آخرین طعمه موفق شد از دست او فرار کند.

مژگان یک هفته بعد از فرار از دست قاتل سریالی، در طرح ویژه پلیس دستگیر شد و وقتی تحت بازجویی قرار گرفت ماجرای شب وحشت را برای ماموران تعریف کرد. او چنین گفت: «یک روز عصر حوالی میدان شهید فهمیده منتظر راننده کامیون‌ها بودم تا با آن‌ها مواد مخدر بفروشم یا با برقراری رابطه پولی به دست بیاورم. خسته و گرسنه بودم. مردی با موتور جلوی پایم توقف کرد و از من خواست همراهش به خانه‌اش بروم. اول نمی‌خواستم قبول کنم اما در نهایت سوار موتور شدم. آن مرد ساکت بود و در طول راه حرفی نزد. فقط وقتی به نزدیکی خانه‌اش رسیدیم از من خواست با چادر صورتم را بپوشانم تا کسی متوجه نشود من زنی غریبه هستم و اگر همسایه‌ها ما را دیدند خیال کنند من از اقوام او هستم. وقتی وارد خانه شدیم او درها را قفل کرد. اول ترسیدم و فکر کردم می‌خواهد بلایی سرم بیاورد ولی وقتی دیدم هیچ وسیله‌ای دستش نیست خیالم راحت شد. داشتم روسری‌ام را درمی‌آوردم که آن مرد از پشت سر به من حمله کرد و شال‌گردنی را دور گلویم انداخت. آن را با تمام زورش فشار می‌داد. من با ناخن‌هایم او را چنگ زدم و بعد با مشت محکم به شکمش کوبیدم. بعد خواستم فرار کنم ولی در قفل بود به همین دلیل شیشه داخل ساختمان را شکستم. مرد خیلی ترسیده بود. التماس می‌کرد و می‌گفت آرام باشم تا اجازه بدهد بروم. می‌دانستم باز هم نقشه‌ای در سر دارد. به اتاق عقبی دویدم و با صدای بلند گفتم اگر در را باز نکند، شیشه‌های اتاقی را که به کوچه مشرف بود می‌شکنم. بالاخره او در را باز کرد و من پا به فرار گذاشتم. آن‌قدر ترسیده بودم که کفش‌هایم را جا گذاشتم.»

ظاهراً ماموران بعد از شنیدن حرف‌های مژگان که از چنگ سعید حنایی فرار کرده بود، به خانه مورد نظر رفتند و سعید حنایی را دستگیر کردند. قاتل سریالی زنان مشه‌دی بعد از دستگیری به تکتک قتل‌هایی که مرتکب شده بود اعتراف کرد. او نه تنها اتهام کشتن ۱۱ زنی را که در پرونده ثبت شده بود پذیرفت بلکه گفت پنج زن دیگر را هم به قتل رسانده است. کارآگاهان بعد از بررسی‌های لازم اسناد قتل آن پنج زن را نیز به دست آوردند.

سعید حنایی که در طول بازجویی‌ها خونسرد بود گفت در تمام این مدت اخبار قتل‌ها را از طریق روزنامه‌ها پیگیری می‌کرده است. او توضیح داد: «هر بار بعد از رها کردن جسد دوباره به آن‌جا برمی‌گشتم و ماموران را حین تحقیقات تماشا می‌کردم، حتی یک بار به پلیس کمک کردم تا جسد را در آمبولانس بگذارند.»

قاتل عنکبوتی در نهایت در دادگاه مشهد محاکمه شد. او در جلسه دادگاه گفت: «اسم سعید حنایی، شغل بنایی و متاهلم. از هفتم مرداد سال گذشته (۱۳۷۹) تاکنون ۱۶ زن را کشته‌ام. از عمل خود به هیچ‌وجه پشیمان نیستم و اگر دستگیر

نمی‌شدم، قصد داشتم تعداد قتل‌ها را به عدد ۱۵۰ برسانم. تمام این کارها برای این بود که به همه بگویم فحشا و بی‌بندوباری عاقبت خوش‌فرجامی ندارد.»

او ادامه داد: «من با این اقدامات قصد آزار و اذیت کسی را نداشتم فقط در صدد به هم زدن فضایی بودم که وجود آن را باعث جری‌تر شدن زنان خیابانی برای فساد بیش‌تر می‌دانستم. من گمان می‌کردم عامل اصلی علنی شدن فساد در جامعه آزادی بی‌قید و شرط زنان خیابانی بود. اگر این آزادی نباشد، آن‌ها نمی‌توانند جوانان را به گناه بیش‌تر و آلودگی تشویق کنند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که همه شما باید باور کنید که من همه این‌ها را راست می‌گویم این است که شما بدانید من هیچ وقت با زنان خیابانی رابطه نداشته‌ام و از آن هم بسیار بدم می‌آمد.»

به این ترتیب، حنایی در طول تقریباً یک سال شانزده زن و دختر را در شهر به اصطلاح «مقدس» مشهود به قتل رسانده بود. قربانیان بین ۱۸ تا ۵۰ سال سن داشتند و به گفته سعید حنایی همگی آنان به اصطلاح «زنان خیابانی» بودند که از طریق تن‌فروشی امرار معاش می‌کردند. اولین بار در مرداد سال ۱۳۷۹ خبر گم شدن زنی حدوداً سی‌ساله به همراه دختر ۹ ساله‌اش و سپس پیدا شدن جسد او سرفصل ماجرای عجیب و تلخ قتل‌های زن‌چیره‌ای سعید حنایی شد. قتل‌هایی که تا پیش از اعتراف او یازده فقره بود و پس از دستگیری و اعتراف به شانزده مورد افزایش یافت.

بازجویی حنایی که از سوی مسئولین پرونده او به رسانه‌ها داده شده بود ظاهراً سعید حنایی در تحقیقات ابتدایی مزاحمت برای همسرش را انگیزه خود از قتل‌ها عنوان کرده و گفته بود چون یک راننده تاکسی تصور کرده بود همسر او زن خیابانی است و برای او ایجاد مزاحمت کرده بود، تصمیم گرفت از زنان خیابانی انتقام بگیرد و با هدف حذف کردن این زنان از روی زمین، اقدام به قتل آن‌ها کرده است. سعید حنایی در دفاعیاتی که در جلسه دادگاه و مقابل قاضی منصوری مطرح کرده، گفته بود: هشت نفر از مقتولان را از میدان شهید حسین فهمیده با موتور و با ماشین سوار می‌کردم و آن‌ها را به منزل برده، به قتل می‌رساندم. فریبا (یکی از مقتولان) را از میدان امام حسین(ع) سوار موتور کردم، او در لایه‌لای موهایش و در قسمتی از روسری‌اش، مقداری تریاک مخفی کرده بود. حنایی گفت: از حالت ظاهری او و بوی خود تریاک متوجه این موضوع شدم. اعظم، دیگر قربانی سعید حنایی بود. او درباره نحوه قتل اعظم گفته بود: او را از میدان شهید فهمیده سوار کرده، در یک حرکت غافلگیرانه با دستانم به قتل رساندم. متهم، سپس در بیان نحوه قتل سکینه نیز همین شیوه را بیان کرده و گفته بود: جسد وی را در منطقه سپاه، درحالی‌که در روسری و چادر پیچانده بودم، رها کردم.

سعید حنایی درباره هفتمین قربانی هم گفته بود: مقتوله، فردی بود که شب قبل با چهار نفر ارتباط نامشروع داشت. وقتی فهمیدم که وی مفسد است و معتاد، به قتل رساندمش و در جاده‌ای در خیابان فرعی، ساکی که در آن جسد را پنهان کرده بودم، رها کردم. وی نحوه هشتمین قتل را مانند قتل‌های دیگر توضیح داد: جسد هشتمین مقتوله را در میدان ابوطالب رها کردم و بعدها فهمیدم این مکان در نزدیکی خانه امام‌جمعه مشهد است. نهمین قتل را در شب تاسوعای امسال انجام دادم و جسدش را در چهارراه پل خاکی در یکی از کوچه‌های اطراف رها کردم. درباره دهمین قتل حنایی گفته بود: او را از خیابان فدک به منزل بردم و در یک حرکت غافلگیرانه از پشت سر به او حمله‌ور شدم و او را از بین بردم. قاتل اعلام کرد: این قتل را در شب عاشورا انجام دادم. عزرا دیگر قربانی بود؛ او را در یک حرکت غافلگیرانه خفه کردم و جنازه‌اش را با موتور به منطقه جدید الاحداث خیام بردم و در آنجا رها کردم و بعد به کمک نیروی انتظامی شتافتم. درباره نحوه به‌قتل‌رساندن مریم هم باید بگویم: او را از بلوار عبدالمطلب با توافقی که با او انجام دادم، با چهار، پنج هزار تومان سوار موتورم کردم و در کنار پمپ‌بنزین تی‌بی‌تی رها کردم.

سعید حنایی در اعترافاتش گفته بود ابتدا مقتولان را با دست خفه و سپس با روسری به‌طور کامل می‌کشت. دکتر حجازی، مدیر وقت پزشکی قانونی خراسان جنون در روان سعید حنایی را رد کرده و گفته بود: وی دچار شخصیت ضداجتماعی است، نه جنون و طبق مصاحبه‌هایی که با وی انجام شده و عکس و نوار مغزی که از حنایی گرفته شده، هیچ‌گونه آثار جنون در او دیده نشده است.

قتل‌هایی که سعید حنایی انجام داده بود و واکنش‌هایی که به این قتل‌ها داشت، پزشکان را بر آزمایش‌های بیشتر ترغیب کرده بود. دکتر تلافیان، متخصص اعصاب و روان، در این باره می‌گوید: در چند مصاحبه که با آقای حنایی داشتم، هیچ‌گونه دلیلی بر وجود اختلالات روانی در وی دیده نشده است و از بیمارستان ابن‌سینا خواستم تا از او تست‌های مختلف و سیتی‌اسکن بگیرند که نتیجه آن هم چیزی جز نرمال بودن سعید حنایی نبود. در نوبت اول کمپیون پنج پزشک و در نوبت دوم هفت پزشک متخصص با ما همکاری کردند و در سعید حنایی هیچ‌گونه آثار بیماری روانی و دیوانگی مشاهده نشد و اعمالی که از او سر زده، بیشتر بر طبق اختلالات ضداجتماعی وی بوده است. حتی در جلسات ما که شرکت می‌کرد، مثل این‌که مرگی را کشته است هیچ‌گونه احساس گناه و ندامتی نمی‌کرد. معمولا افراد ضداجتماع دوست صمیمی ندارند و به چیزهای بی‌خود زود واکنش نشان می‌دهند. تلافیان افزود: حنایی در سال ۵۹ و ۶۱ در بیمارستان ابن‌سینا بستری شده بود که هر دو بار از بیمارستان فرار کرد.

سرانجام سعید حنایی سحرگاه ۲۸ فروردین سال ۱۳۸۱ در ۴۰ سالگی در زندان مرکزی مشهد و با انجام تشریفات قانونی با حضور جمعی از اولیای دم و قاضی غلامرضا منصوری، ماموران پلیس و قضات اجرای احکام زندان مشهد اعدام شد. یکی از اولیای دم که در محل حضور داشت، پسر مقتولی بود که مدعی بود به مادرش تهمت زده‌اند و سعید حنایی به خاطر تهمتی که به مادرش زده هم باید مجازات می‌شد. او در گفت‌وگویی غیررسمی سعید حنایی را در لحظه اجرای حکم عصبانی و ناراحت توصیف کرده بود. این‌طور که نقل شده، سعید حنایی تصور نمی‌کرد اعدام شود و شاید آرامشی که در جلسات دادگاه داشته، ناشی از همین باورش بوده است. آن‌طور که گفته شده، خانواده او برای آخرین دیدار یک شب قبل از اجرای حکم به زندان دعوت شده بودند و سعید حنایی سعی کرد با روحیه‌ای آرام و قوی با آن‌ها برخورد کند؛ مسئله‌ای که در زمان اجرای حکم دیده نشد. (احتمالا قاضی غلامرضا منصوری همان شخصی است که سال گذشته به دلایل مشکوکی در رومانی کشته شد.)

سعید حنایی درباره قربانیان خود گفته بود، ارزش مالی اموال این مقتولان بود؛ به‌گونه‌ای که حتی یک قطعه طلا هم همراه این زن‌ها نبوده و شاید بتوان حدس زد یکی از دلایلی که آن‌ها تن به رابطه با سعید حنایی می‌دادند، فقر بوده است.

حنایی در بخشی از صحبت‌هایش به قاضی منصوری گفته بود: کل مبالغ همراه ۱۵ مقتول به‌جز مقتول اول، سه‌هزار و ۹۰۰ تومان و پنج بلیت اتوبوس بوده است. آخرین مقتوله در حالی که سوار موتور من شده بود، گفت از سه جا نسیه گرفته است و با پولی که او بدهد می‌تواند بدهی‌اش را بپردازد. حتی معتاد نیز بود و چهار مرتبه از ترک موتور تا رساندن او به منزل به زمین افتاد و در حالی که در اتاق مانند گربه به دور خود می‌پیچید، از پشت به او حمله‌ور شدم و به قتلش رساندم و سریعاً او را در چادر پیچاندم و در بلوار جدیدالاحداث خواجه‌ربیع ره‌ایش کردم.

سعید حنایی با افتخار گفته بود از نیروهای بسیج بوده و قصدش پاک‌کردن مفسده از روی زمین بوده است. او در توضیح این ادعا گفته بود: چون زنان خیابانی باعث شده بودند که مرد مسافرکش فکر کند می‌تواند به زن من هم پیشنهاد بدهد، اگر آن‌ها نبودند این اتفاق نمی‌افتاد، من هم تصمیم گرفتم فساد را از روی زمین پاک کنم! سعید حنایی در حالی

چنین ادعایی را مطرح کرده بود که خودش با ۱۳ نفر از این زنان رابطه جنسی برقرار کرده و به آن اقرار کرده بود. نماینده دادستان وقت در جلسه محاکمه به این ادعای سعید حنایی واکنش نشان داد.

مسکرانی، نماینده وقت دادستان مشهد، در پاسخ به گفته‌های سعید حنایی این‌طور بیان کرده بود: اگر انگیزه خیرخواهانه‌ای در کار بوده است، پس چرا دست به تجاوز زده و از همه مهم‌تر چرا از مراحل قانونی برای برخورد با فسادها استفاده نکرده است. مسکرانی شخصیت متهم را از تیپ خشن جامعه معرفی کرد و وجود یک غریزه جنسی مشخص و رسیدن به امیال نفسانی قاتل را هدف اصلی او دانست. او همه قتل‌های حنایی را همراه با رابطه جنسی دانست. مسکرانی در ادامه درباره نوع انتقال مقتولان گفته بود: بردن آن‌ها به‌صورت مجرمانه‌ای صورت می‌گرفته و وی در پشت موتور، فرد نامحرمی را سوار می‌کرده است. حنایی در ۱۳ مورد از ۱۶ قتل، مرتکب زنا می‌شده است؛ آیا چنین فردی با این نوع اعمال تبه‌کارانه و فاسد می‌تواند اصلاح اجتماعی انجام دهد و آیا ذهنیت جامعه با او همراه است؟ متهم در دفاعیات خود و شرح ماجرای قتل‌ها متناقض صحبت کرده است.

از سوی دیگر واکنش خانواده سعید حنایی به کارهایی که او انجام داده بود، همیشه مسئله پررنگی برای خبرنگاران بود. همسرش هرگز او را فردی گناهکار نمی‌دانست و معتقد بود شوهرش نیت خیر داشته و نباید اعدام می‌شد. همین تفکر در پسر بزرگ سعید حنایی نیز دیده می‌شد. او در همه جلسات دادگاه پدرش حضور داشت و معتقد بود پدرش بی‌دلیل محاکمه می‌شود. پسر سعید حنایی در حاشیه یکی از جلسات دادگاه به خبرنگار ایسنا گفته بود معتقد است پدرش باید آزاد شود. او گفته بود: پدرم این قتل‌ها را برای از بین بردن مفاسد اجتماعی انجام داده و حکم او نیز آزادی و تیرئه است. واکنش سعید حنایی به خانواده‌اش نیز عجیب بود. او در طول جلسات دادگاه تلاش می‌کرد خود را مانند یک قهرمان نشان دهد و وقتی با خانواده‌اش روبه‌رو می‌شد، آن‌ها را در آغوش می‌کشید و لبخند می‌زد. هرچند روان‌شناسان بر این باورند که او تلاش می‌کرده وجه اجتماعی به جنایاتش بدهد تا فرزندانش تحت فشار اجتماعی قرار نگیرند، اما این رفتارهای سعید حنایی و خانواده‌اش همیشه با واکنش منفی روبه‌رو بوده است. پسر سعید حنایی در مستندی که از پدرش ساخته شد نیز به این موضوع اشاره کرده است. او در این مستند گفته پدرش را مستحق مرگ نمی‌دانسته و نباید اعدام می‌شد.

در واقع سعید حنایی در هیچ‌کدام از مراحل دادرسی از اقداماتش ابراز پشیمانی نکرده و حتی گفته بود زنان بیش‌تری در فهرست او قرار داشتند و ممکن بود افراد بیش‌تری را به قتل برساند. او گفته بود برای نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی که او را بازداشت کردند، همیشه دعا می‌کند، اما رسالتی بر دوش داشته که باید انجام می‌داده است. او در گفت‌وگویی با خبرنگار ایسنا گفته بود: من خدا را شاکرم که مرا به وسیله نیروی انتظامی دستگیر کرد و اگر هم پس از ارتکاب شانزدهمین قتل دستگیر نمی‌شدم، باز هم به رویه و رسالتی که بر دوشم بود، عمل می‌کردم و حتی طبق تصویر ذهنی‌ام ۸۰ مورد دیگر از این مفسده‌ها را نیز به قتل می‌رساندم.

در پایان می‌توان تاکید کرد که سینما نقش موثری در سمت و سو دادن افکار عمومی دارد و به همین دلیل حکومت‌ها به‌ویژه حکومت‌های دیکتاتور و ارتجاعی همچون حکومت اسلامی ایران، سعی می‌کنند این هنر را همانند سایر هنرها در سلطه خود بگیرند تا اهداف غیرانسانی خود را از این طریق نیز پیش ببرند. اگر هم در جایی نتوانستند بر آن‌ها تسلط کامل داشته باشند سانسور شدید اعمال می‌کنند و در این میان کم نیستند نویسندگان و هنرمندانی که آثار خود را به جامعه ارایه دهند دست به خودسانسوری می‌زنند که بدترین نوع سانسور است. به‌طور کلی سانسور سرچشمه خلاقیت‌ها و ابتکارات انسانی را خشک می‌کند.

سینما را هنر هفتم می‌نامند چرا که در دنیای قدیم، شش هنر اصلی وجود داشت. این هنرها عبارت بودند از:

۱- هنر موسیقی، ۲- هنر نقاشی، ۳- هنر نویسندگی، ۴- هنر شاعری، ۵- هنر پیکر تراشی، ۶- هنر تئاتر.

اما وقتی سینما اختراع شد چون هنر تازه‌ای به شمار می‌رفت آن را «هنر هفتم» نامیدند.

آنچه در این فلم و نیز در واقعیت تعجب برانگیز است، عدم ابراز پشیمانی سعید حنایی از جنایت هولناکی است که او مرتکب گردیده است و جالب آنکه انتظار تقدیر و تشکر از جانب مقامات لشکری و کشوری را نیز دارد، چراکه معتقد است ماموریتی را که آنان در انجامش موفق نبوده‌اند، او انجام داده است و در خشکانیدن ریشه فساد در جامعه به آنان کمک کرده است.

این مساله را کارگردان فلم در صحنه مربوط به بازجویی سعید حنایی توسط قاضی به خوبی نمایش داده است و دیالوگ‌های رد و بدل شده میان قاضی و حنایی حکایت از نگارش یک فلم‌نامه قوی و مستحکم با رعایت تمام نکات لازم و تحقیقات مستندگونه دارد، برای مثال جایی که حنایی به قاضی می‌گوید من کاری را انجام دادم که شما جرئت و توانایی انجام آن را نداشتید و یا مثلا دیالوگ قاضی که از حنایی می‌خواهد ابراز پشیمانی کند و او در پاسخ می‌گوید اشتباهی مرتکب نشده است که بخواهد بابت آن معذرت بخواهد و اتفاقا تاریخ باید از او به افتخار یاد کند.

صحنه پایانی ملاقات حنایی و همسرش نیز دیدنی است، جایی که همسر سعید دست‌بند یکی از مقتولین را که همسرش به او هدیه داده است، باز می‌گرداند و قصاص را حق شوهری می‌داند که با روسری‌هایش تعداد زیادی زن را در خانه خودش خفه کرده است و خودش را جای آن‌ها قرار می‌دهد و حنایی نیز آن‌قدر از این قتل‌های زنجیره‌ای زنان راضی هست که به همسرش بگوید هیچ هراسی از قصاص ندارد و با کمال تعجب از او می‌خواهد به شوهرش افتخار کند. البته به‌نظر می‌رسد که فلم‌ساز در این صحنه، تغییری داده شده است چرا که همسر و سایر اعضای خانواده حنایی همواره مدافع او بودند.

در پایان باید گفت عنکبوت فلم دیدنی و قابل تحسین است که با برگرفتن از یک داستان کاملا واقعی ساخته شده است و اگر بتواند جای خود را در جامعه ایران و جهان باز کند می‌تواند تأثیر به‌سزایی در نقد و رد مردسالاری و آپارتاید جنسی و تضعیف حکومت اسلامی داشته باشد!

جمعه ششم خرداد-جوزا- ۱۴۰۱ - بیست و هفتم مه ۲۰۲۲

ضمایم:

بهرام رحمانی: سابقه قتل‌های سریالی و زنجیره‌ای یا به گفته خامنه‌ای «آتش به اختیار» در ایران!

در تاریخ حوادث سیاسی ایران، قتل‌های سریالی و زنجیره‌ای بیش از بقیه جنایات حکومت اسلامی در جامعه دارای آوازه هستند. گاهی بدون هیچ مبنا و منطق و بی‌آنکه آموزش یا اصلاح و آگاه‌سازی در کار باشد این حوادث دستمایه تألیف کتاب یا ساخت فلم و سریال می‌شود و نهادهای حکومتی نیز با گذر زمان هم رویدادها را به دیار فراموشی می‌فرستد و در این مورد نقش‌آفرینی می‌کنند.

روز چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶، بعد از آنکه به مجلس شورای اسلامی و قبر آیت‌الله خمینی حمله شد و ده‌ها کشته و زخمی بر جای گذاشت خامنه‌ای با گروهی دست‌چین شده از دانشجویان بسیجی دیدار و گفت‌وگو کرد. خامنه‌ای در بخشی از سخنانش به دانشجویان توصیه کرد که هرگاه اخلاقی در دستگاه‌های فرهنگی دیدند، می‌توانند مانند زمانی که در جنگ اخلاقی به وجود می‌آید، به هر شکلی که مایل‌اند و بدون در نظر گرفتن قانون عمل کنند.

سه‌شنبه سوم مرداد ۱۳۹۶ - بیست و پنجم ژوئیه ۲۰۱۷

لینک این مطلب: [بازخوانی چند پرونده قتل و جنایت حکومت اسلامی ایران! - بهرام رحمانی-jonge](http://khabar.com)
(khabar.com)

سرکوب زنان در ایران!

یادداشت هفته بهرام رحمانی

سرکوب سیستماتیک زنان، در سراسر ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی، همچنان ادامه دارد. هدف رژیم از سرکوب زنان، زهر چشم گرفتن از کل جامعه است. هنگامی که زن، به عنوان دختر، خواهر، همسر و مادر مورد بی حرمتی قرار می گیرد کل اعضای خانواده و جامعه دچار بحران و پریشانی و ناامنی می شود. با انتخاب محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری اسلامی، رهبر، امام جمعه ها، انصار حزب الله، نمایندگان مجلس و نیروهای انتظامی، همه در اظهارات و سخنرانی های خود به تهدید و آزار و اذیت و پیگرد زنان به اصطلاح «بدحجاب»، کنترل پرده بکارت و جداسازی زنان و مردان تاکید کرده اند.

۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵

لینک این مطلب: [شبکه ی دیدگاه: نیروهای سرنگونی طلب متحد شوید didgah](http://didgah)

بهرام رحمانی: بازخوانی چند پرونده قتل و جنایت حکومت اسلامی ایران!

خشونت و جنایت و اعدام و ترور در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی در چهار دهه اخیر، بیش از پیش رواج یافته است. حکومت اسلامی با اعدام، شلاق، توهین به ویژه به زنان در ملاعام و انتظار عمومی، با رفتارهای وحشیانه و تبهکارانه ماموران رسمی و غیررسمی، علنی و غیرعلنی، همواره کوشیده است تا شهروندانی که تحمل توهین و تحقیر را نداشته و حاضر نیستند در زندگی شخصی و اجتماعی شان به قوانین ارتجاعی این حکومت تبهکار گردن بگذارند مرعوب و منکوب نماید. از فعالین سیاسی تا نویسندگان و هنرمندان با فتوای روحانیون حکومتی ترور شده اند. تورم و گرانی، بیکاری، فقر، فحشا و مواد مخدر، سوءاستفاده از قدرت، فساد اداری، اقتصادی، اختلاس و رواج رشوه گیری و رشوه دهی، سقوط اخلاقی هولناکی را در جامعه دامن زده است.

اکنون نه یک پاسدار و زندانبان و شکنجه گر حکومت اسلامی، بلکه یک وزیر شیک پوش اصلاح طلب با شلیک پنج گلوله به قلب همسر جوانش، مرتکب قتل شده است. کسی چه می داند که این وزیر در اوایل انقلاب ۵۷ مردم ایران و در جریان سرکوب این انقلاب، پاسدار و سرباز گمنام امام زمان و تیر خلاص زن به زندانیان سیاسی بود؟ واقعا باید شعار خیزش جوانان در دی ماه سال ۱۳۹۶، که گفته اند «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا» را قاب طلایی گرفت و به در و دیوارهای شهرها و روستاهای ایران آویخت!

شنبه یازدهم خرداد ۱۳۹۸ - یکم یونی ۲۰۱۹

لینک این مطلب: [bazkhani-chand-parvande-ghatl.pdf \(cpiran.org\)](http://bazkhani-chand-parvande-ghatl.pdf)

بهرام رحمانی: وزیر هفت تیرکش و آدمکش

در تاریخ چهل و یک ساله حکومت اسلامی ایران، فعالان جنبش های اجتماعی، سیاسی، مدنی، نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران، فعالین محیط زیست، اقلیت های ملی، مذهبی ایرانی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، یکی از سخت ترین و سیاه ترین دوره ها را گذرانده اند.

حکومت اسلامی ایران یک حکومت هیولایی است که برای بقای خود به هر جنایتی متوسل می‌شود از این‌رو، همه سران و مقامات سیاسی و نظامی که به پست‌های بالا و کلیدی رسیده‌اند از میان دریایی خون و جهل و جنایت رد شده‌اند که به راحتی آب خوردن می‌توانند آدم بکشند...

دوشنبه پانزدهم اردیبهشت ۱۳۹۹ - چهارم مه ۲۰۲۰

لینک این مطلب: [لجور «Blog Archive» بهرام رحمانی: وزیر هفت‌تیرکش و آدم‌کش\(lajvar.se\)](http://lajvar.se)

بهرام رحمانی: نگرانی امام جمعه‌ها از شکست طرح «حجاب و عفاف» و فروپاشی حکومت‌شان!

در حالی که بحران‌های عدیده‌ای از بحران اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک تا بحران اپیدمی کرونا جامعه ایران را فراگرفته است و اکثریت مردم ایران نگران تامین نیازهای اولیه زندگی و سلامتی خود هستند باز هم مقامات و نهادهای مختلف حکومت اسلامی در کنار تشدید و سانسور و اختناق، شکنجه و اعدام، تهدید و ترور، باز هم خواهان سرکوب شدیدتر زنان شده‌اند.

به یاد داریم که اولین فتوای جنایت‌کارانه خمینی بنیان‌گذار حکومت جهل و جنایت و ترور و تبه‌کار اسلامی علیه زنان آزاده صادر شد. از آن تاریخ تاکنون زنان به مثابه نصف شهروندان جامعه هم سرکوب سیستماتیک شده و هم از حقوق ابتدایی خود محروم شده‌اند. اما با این وجود آن‌ها هرگز از مبارزه بر حق و عادلانه و برابری طلبانه خود دست برنداشته و مرعوب فضای رعب و وحشت زن‌ستیز و آزادی‌ستیز حکومت اسلامی نشده‌اند.

۲۰۲۰/۱۰/۰۵

لینک این مطلب: [بهرام رحمانی: نگرانی امام جمعه‌ها از شکست طرح «حجاب و عفاف» و فروپاشی حکومت‌شان - !](http://iranlive)

iranlive

با درودهای فراوان

فلم تکاندنده «عنکبوت مقدس» درباره قتل‌های زن‌جیره‌ئی زنان در مشهد!

شاد و تندرست باشید